

شرح دعای
تسبیح
www.ketab.ir

اثری منحصر به فرد از عارف بزرگ آیت الله سید علی قاضی طباطبایی (ره)

انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی
شمس الشموس

عنوان کتاب: شرح دعای سمات

نویسنده: سید علی قاضی طباطبایی (ره)

مترجم: هیئت تحریریه مؤسسه

فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس.

ناشر: انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی

شمس الشموس

نوبت چاپ: دوازدهم، تابستان ۱۴۰۳

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۸۰۱-۷-۴

قیمت: ۹۴,۰۰۰ تومان

نام پدیدآور: سید علی قاضی طباطبایی (ره)

عنوان: شرح دعای سمات:

اثری منحصر به فرد از عارف بزرگ آیت الله

سید علی قاضی طباطبایی (ره).

مشخصات ظاهری: ۸۸ ص. ۲۱*۱۴,۸

مشخصات نشر: تهران: شمس الشموس،

۱۳۸۴.

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

عربی - فارسی

موضوع: ۱. دعای سمات - نقد و تفسیر.

۲. دعاها. الف. قاضی طباطبایی، علی،

۱۳۲۵-۱۲۴۷ ه. ش، شارح. ب. مؤسسه

فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس.

رده بندی کتاب: BP ۲۶۷/۸.۴۲۲/ق۲۱۳۸۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۷۷۴

کتابشناسی ملی: ۳۲۳۴۴۲-۸۴

تهران، خیابان شهید مطهری، خیابان

میرعماد، نبش کوچه دوست محمدی،

پلاک ۱۵. تلفن: ۸۸۴۰۶۰۵۵، ۰۹۱۰۱۹۳۲۱۱۴

مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس الشموس

دانشجویان دانشگاه‌های تهران

آدرس سایت: www.shamsbook.com

پیج اینستاگرام: [@shams_publication](https://www.instagram.com/shams_publication)

پیش‌گفتار

یکی از چهره‌های درخشان آسمان معرفت در سده حاضر حضرت آیت‌الحق میرزا سید علی قاضی طباطبایی بود. این رادمرد عرصه توحید علاوه بر مقام منیعی که در عرفان داشت به تأیید الهی موفق به تربیت شاگردان بزرگ و ممتازی شد که هریک به نوبه خود مبنای آثار و برکات علمی و معنوی بسیار بوده‌اند.

عموماً در کتب تراجم تعداد و اثر مکتوب از ایشان اشاره می‌شود که عبارت‌اند از حاشیه بر کتاب/ارشاد شیخ مفید و تفسیر قرآن از ابتدای سوره انعام تا آیه نود همین سوره.

طی تحقیقات و مصاحبه‌هایی که گروهی از اعضای مؤسسه فرهنگی-مطالعاتی شمس‌الشموس درباره مرحوم قاضی می‌کردند مشخص شد که او اثر مکتوب دیگری در شرح دعای شریف سمات نیز دارد.

اصل این شرح نزد یکی از نوه‌های ایشان از فرزندان مرحوم سید کاظم قاضی در نجف اشرف موجود بود. اخیراً یک رونوشت از آن به محضر جناب استاد سید محمد حسن قاضی ارسال شد و معظم‌له در نهایت بزرگواری و عنایت آن را در اختیار این مؤسسه قرار داد.

آنچه فرزند برومند مرحوم قاضی دانشمند محترم حضرت آقای سید محمدحسن قاضی (دام‌ظله) دربارهٔ این شرح فرمود این بود که مرحوم آقای قاضی از حدود سال ۱۳۶۴ق یعنی نزدیک به دو سال قبل از رحلتش اقدام به شرح این دعای شریف کرده بود. خود مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) نیز در اواخر این شرح بیان می‌کند که به علت بیماری سختی که بر ایشان عارض گشته بود وقفه‌ای در نوشتن شرح ایجاد شده بود. این بیماری مربوط به حدود دو سال پیش از وفاتش یعنی سال ۱۳۶۴ق بوده است، لذا می‌توان دریافت که نوشتن این شرح تقریباً در دو سال آخر حیات پربرکت مرحوم آیت‌الله قاضی (ره) صورت گرفته است. اما چنان که معلوم است این شرح به انتها نرسیده و تنها تا عبارت «اللَّهُمَّ بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ نَبِيَّكَ وَرَسُولِكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ» یعنی تا حدود یک سوم دعا پیش رفته و در همین جا متوقف شده است. بنابر تحقیق، مرحوم آیت‌الله قاضی نتوانست شرح این دعای شریف را به پایان برساند و عروج ربانی آن روح سترگ سبب شد که ما از خواندن ادامهٔ شرح محروم بمانیم. البته همین مقدار از شرح نیز دارای نکات آموزندهٔ فراوانی است که خواننده را مجذوب خود می‌سازد، ضمن آنکه به خوبی بیانگر قوت علمی و نگاه عمیق و دقیق عرفانی شارح به عالم هستی است. روش مرحوم قاضی (ره) در این شرح آن است که در هر فراز ابتدا به بیان معنی و مفهوم مفردات و الفاظ می‌پردازد و سپس وارد شرح و تفسیر عبارات دعا می‌شود. در این بین به خوبی می‌توان

مرحوم قاضی منزلی نیز در کوفه داشت که جمعه‌ها به آنجا می‌رفت، اما عصر جمعه برای شرکت در دعای سمات خود را از کوفه به نجف می‌رساند و جلسه قرائت این دعای شریف در منزلش در نجف دایر می‌شد.

ضمناً به ارباب سلوک و معرفت و علاقه‌مندان به مباحث عرفانی بشارت می‌دهیم که ظاهراً نسخه‌ای از کتاب تفسیر قرآن مرحوم آیت‌الله سید علی قاضی در لندن موجود است که به یاری خداوند درصدد دستیابی به این اثر گران قدر و چاپ آن هستیم. برای این مهم، از خداوند عظیم استعانت و از شما اهل ایمان طلب دعای خیر داریم.

مؤسسه فرهنگی - مطالعاتی شمس‌الشموس

۱۳۸۴

www.ketab.ir

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	أ
مقدمه ناشر.....	۱
مقدمه‌ای به قلم استاد سید محمدحسن قاضی (فرزند آیت‌الله سیدعلی قاضی).....	۵
مختصری از زندگی‌نامه شارح.....	۷
آغاز تحصیل.....	۷
درجه اجتهاد.....	۸
استادان عرفان.....	۸
شاگردان.....	۸
ذوب در خورشید.....	۹
ارتحال.....	۱۰
متن دعای سمات.....	۱۱
ترجمه شرح دعای سمات.....	۲۱
فهرست منابع.....	۷۳

مقدمه ناشر

«سمات» در لغت معانی مختلفی دارد؛ از جمله در کتاب مجمع البحرین به معنای نشانه آمده است و چه بسا وجه تسمیه دعای سمات به این اسم آن باشد که در آن نشانه‌های خداوند متعال یا نشانه‌های اجابت دعا آمده است.

در عظمت و بزرگی این دعا مطالبی وارد شده است؛ از جمله آنکه در کتاب بحار الأنوار به نقل از کتاب الصفة الصافات شیخ کفعمی این دعا را از امام باقر علیه السلام نقل می‌کنند و می‌فرمایند که امام باقر علیه السلام فرمودند: اگر قسم بخورم که در این دعا اسم اعظم الهی وجود دارد، قسم راست خورده‌ام. پس آن را برای کسانی که به ما ظلم و ما را اذیت می‌کنند بخوانید. از امام صادق علیه السلام هم این مطالب با کمی اضافات نقل شده و در ادامه آمده است که این دعا از علوم مخزون و مکنون الهی است و مواظب باشید که دست ناهل مانند ظالم و منافق نیفتد. از عثمان بن سعید العمروی منقول است که من این دعا را در هیچ امر مهم و حساسی نخواندم، مگر آنکه سریعاً اجابت شد. برخی خواص دیگر آن هم در کتب معتبر نقل شده است. خواندن این دعا

در ساعات آخر روز جمعه که از ساعات خاص هفته و مواقع استجاب دعا می‌باشد مستحب است.

این دعای شریف در کتب معتبر ادعیه از قبیل مصباح‌المتهدجد شیخ طوسی، جمال‌الاسبوع سیدبن طاووس، البلد‌الامین و مصباح کفعمی و بحار‌الأنوار همراه با بیان اختلاف نسخ و نیز شرحی مختصر آمده است.

سند این دعا از طریق یکی از نواب اربعه حضرت ولی عصر (عج) به امام صادق علیه السلام می‌رسد.

از نظر محتوایی، می‌توان دعا را به چند بخش تقسیم کرد:

۱- اشاره به اسماء و صفات الهی

۲- بیان مصادیق و تجلی این اسماء در عالم

۳- بیان حاجات

دعا ابتدا از اسم اعظم الهی شروع می‌شود و به ویژگی‌ها و اثرات آن در عالم تکوین اشاره می‌کند، آنگاه به جلال وجه الهی و آثار آن و نیز قوت الهی و نحوه تأثیر آن در عالم می‌پردازد؛ سپس به مشیت الهی و کلمه‌الله و نیز حکمت الهی اشاره می‌کند.

در ادامه دعا، از مجد الهی صحبت به میان می‌آید و اثرات و مصادیق فعلیت یافته آن بیان می‌گردد و پس از اشاره به سلطان و عزت الهی به رحمت و علم و جلال و جبروت حضرت حق پرداخته می‌شود. فرازهای بعدی دعا رابطه برخی انبیا و اقوام گذشته را با بعضی از اسماء و صفات

الهی بیان می‌کند. فرازهای پایانی شامل بیان حاجات است که شروع آن‌ها با صلوات می‌باشد.

از این دعا می‌توان بینش توحیدی نسبت به عالم را فراگرفت و می‌توان دریافت چطور باید اراده و خواست خداوند را در تمام ذرات عالم هستی جاری و ساری دید. در نگاه عمیق این دعا، هریک از موجودات عالم هستی یکی از تجلیات خداوند تبارک و تعالی هستند که برخی از اسماء و صفات الهی در آن‌ها به میزان مشخصی ظهور پیدا کرده است؛ چنان‌که مثلاً خورشید را می‌توان مظهري از حکمت و قدرت و سلطنت و ضیاء خداوند دید؛ به بیان دیگر در این دعا، عالم وجود فراتر از مخلوق دیده می‌شود؛ یعنی در آن رابطه بین خداوند متعال و موجودات رابطه خالق و مخلوق نیست، بلکه رابطه مظاهر و تجلیات اوست و هر وجودی مظهري از اسماء و صفات الهی در آن ظاهر گرفته می‌شود. این نوع نگاه همان نگاهی است که در فرمایش امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

«ما رأیتُ شیئاً إلّا و رأیتُ اللهَ مَعَهُ و فیه و قبلهُ و بَعْدَهُ»^۱

هیچ چیزی ندیدم، مگر آنکه خدا را با آن و در آن و قبل و بعد آن دیدم.

مقدمه‌ای به قلم استاد سید محمدحسن قاضی

(فرزند آیت‌الله سیدعلی قاضی)

دعای سمات یکی از دعا‌های معروف است که از امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلام وارد شده است و علامه مجلسی (ره) آن را با شرح در موسوعه بحار الأنوار ذکر کرده است.

به مناسبت ذکر این دعا شریف به یاد می‌آورم که مرحوم پدرم سید علی قاضی (قدس سره) چندین بار این دعا را شریف عقیده داشتند تا جایی که دعای سمات را روی کاغذ باریکه و کاهی، طوماروار، نوشته بودند و همراه با یک قرآن کوچک در گوشهٔ عمامه‌شان داشته بودند.

ما بچه‌ها بارها و بارها بعد از ظهر جمع‌ها موقع خواندن دعای سمات پشت در قایم می‌شدیم و می‌دیدیم پدر کاغذ را از گوشه عمامه درمی‌آوردند و شروع به خواندن این دعا شریف می‌کردند، و درحالی که هنوز به آخر دعا نرسیده بودند، مشغول لوله کردن طومار می‌شدند. تعجب می‌کردیم و می‌گفتم که اگر پدر دعا را از بر هستند چرا باید طومار را هر دفعه باز کنند و از رو بخوانند و دوباره ببندند؟

آری، در این موقع بود که تمامی حاضرین، من جمله شیخ علی زاهد قمی و سید محسن حکیم و عبدالغفار مازندرانی و ... به همراه شاگردان

خودشان یعنی علامه طباطبایی و اخویشان و شیخ عباس قوچانی و ... سر به زیر انداخته و زیر لب دعا را زمزمه می کردند درحالی که هیچ کدام متوجه این نکته نمی شدند که پدر کاغذ دعا را از گوشه عمامه در می آوردند و دعا را از روی متن می خواندند.

لازم به ذکر است که عبدالغفار مازندرانی از شاگردان و ملازمان مرحوم قاضی نبودند اما از آنجا که ملازم آیت الله قمی (معروف به زاهد) بود همراه او در این جمع حضور می یافت.



www.ketab.ir

مختصری از زندگی نامه شارح

آیت‌الله سید علی قاضی طباطبایی در سیزدهم ذی حجه سال ۱۲۸۵ پا به عرصه وجود نهاد. پدر ایشان سید حسین قاضی انسانی بزرگ و وارسته و از شاگردان برجسته آیت‌الله‌العظمی میرزا محمدحسن شیرازی بود و از او اجازه اجتهاد داشت.

آغاز تحصیلات

سید علی قاضی از همان ابتدای جوانی تحصیلات خود را نزد پدر بزرگوارش، سید حسین قاضی، میرزا موسی تبریزی و میرزا محمدعلی قراچه‌داغی آغاز کرد. پدر به علم تفسیر علاقه و رغبت خاصی داشت چنان‌که خود تفسیر کشف را به پسرش آموخت.

وی ادبیات عربی و فارسی را نیز از شاعر نامی و دانشمند معروف میرزا محمدتقی تبریزی متخلص به نیر آموخت و بعدها اشعار بسیاری از ایشان به عربی و فارسی نقل می‌کرد.

آقا سید علی قاضی در سال ۱۳۰۸ ق در حالی که ۲۶ سال داشت با آتشی از شوق و عشق زیارت امام‌العارفین علی علیه السلام همراه با کاروانی که

به نجف مشرف می‌شد وارد این شهر شد و تا آخر عمر آنجا را موطن اصلی خویش قرار داد.

درجه اجتهاد

پس از اقامت در نجف اشرف، تحصیلات حوزوی خود را نزد استادانی چون فاضل شربینی، شیخ محمد ممقانی، شیخ فتح‌الله شریعت و آخوند خراسانی ادامه داد. سرانجام کوشش‌های خستگی‌ناپذیرش در راه کسب کمال و دانش در سن ۲۷ سالگی به ثمر نشست و این جوان بلندهمت در سنین جوانی به درجه اجتهاد رسید.^۱

استادان عرفان

وی از سنین نوجوانی نزد والد گرامی‌اش آقا سیدحسین قاضی قرار گرفت و جوهره حرکت و سلوکش را بدور بزرگوارش است. پس از آنکه به نجف اشرف مشرف شد، نزد آیت‌الله شیخ محمد بهاری و آیت‌الله سید احمد کربلایی به کسب مکارم اخلاقی و عرفانی پرداخت که آن‌ها نیز خود از مبرزترین شاگردان ملا حسینقلی همدانی بودند. سلسله استادان آیت‌الله قاضی از ملا حسینقلی همدانی به حاج سید علی شوشتری و سپس به شخصی به نام ملا قلی جولا می‌رسد.

شاگردان

آیت‌الله قاضی طی سه دوره اخلاق و عرفان اسلامی را با کلام نافذ و عمل صالح خویش به طالبان معنویت و عرفان ناب تدریس فرمود و در هر دوره

شاگردانی پرورش داد که هر کدام آن‌ها از بزرگان وادی عرفان و اخلاق محسوب می‌شوند؛ مانند آیت‌الله شیخ عباس قوچانی، آیت‌الله شیخ محمدتقی آملی، آیت‌الله سید محمدحسین طباطبایی (علامه طباطبایی)، آیت‌الله سید محمدحسن الهی، آیت‌الله سید علی محمد بروجردی، آیت‌الله محمدتقی بهجت فومنی و حاج سیدهاشم حداد و ...

البته در این میان فقط نام تعدادی از آن‌ها معلوم است و اینکه او در حقیقت چه کسانی را تا ذروهٔ قلهٔ عرفان بالا کشیده است و از شراب گوارای معرفت بر کامشان ریخت برای ما به صورت کامل و دقیق آشکار نیست.

ذوب در خود بشید

آیت‌الله قاضی عمری را در خلوت و سرسپردگی حضرت دوست گذراند و طعم بندگی را چشید. او عاشق صلات بود. خود می‌فرمود:

«چهل سال دم از پروردگار زدم. در این مدت، نه خوابی دیدم و نه مکاشفه‌ای؛

نه رفیقی، نه همدردی ... چهل سال بود که در را می‌کوبیدم و خبری نبود.»

بالاخره آن‌قدر از ساغر عشق نوشید تا هم‌رنگ معشوق شد؛ کرانهٔ هجران را درنوردید؛ و به دریا متصل گشت. به مدد امام حسین علیه السلام، برایش درهای آسمان‌ها گشوده و فتح باب شد. ایشان اسم اعظم را استقامت بر وحدانیت خدای جل و علا می‌دانست و می‌فرمود:

«اگر شخص در طلب استقامت پیدا کرد، اسم اعظم در روح او جا پیدا می‌کند

و آن‌وقت لایق اسرار ربوبی می‌شود.»

و او که یک عمر دم از توحید می‌زد و ذکر دائمش «لا هو الا هو» بود استقامت را به شاگردان خویش نیز آموخت. آن‌ها که محضرش را درک کرده‌اند می‌گویند: «تا آخرین لحظات در حجره‌اش به مجاهده مشغول بود و دمی از معشوق غافل نماند.»

در سال‌های آخر عمر، عطش و بی‌تابی جسم و روحش را با هم می‌سوزاند؛ مرتب آب می‌خواست و می‌گفت: «در سینه‌ام آتش است؛ ساکت نمی‌شود.»
 اواخر عمر او بود و قالبی یخ در کنارش تا آتش سینه‌اش را فرو نماند. بالاخره هم با بیماری استسقاء از دنیا رفت. حرارت عشق قلبش را می‌سوزاند و هرچقدر آب می‌نوشید این حرارت فرو نمی‌نشست و نه اینکه بخواهد حرارت دل را فرو نماند که خود خواسته بود تنها عشق بماند و از این وجود مجازی چیزی بر جای نماند.

ارتحال

و سرانجام آیت‌الله میرزا علی قاضی پس از سال‌ها تخریس معارف عرفانی و تربیت شاگردانی الهی در روز دوشنبه چهارم ماه ربیع‌الاول سال ۱۳۶۶ در نجف اشرف وفات یافت و در وادی السلام نزد پدر خود مدفون گشت. او پرده‌ظلمانی حیات دنیوی را شکافت تا سیر خویش را در عالم اسمای حسنای الهی ادامه دهد که خدا بی‌نهایت است و سیر مشتاقان به سوی او نهایتی ندارد. مدت عمر شریف او ۸۳ سال و دو ماه و ۲۱ روز بود.

در رفتن جان از بدن گویند هر نوعی سخن
 من خود به چشم خویشتن دیدم که جانم می‌رود